

## بیانات در دیدار گروه کثیری از معلمان سراسر کشور - 15 اردیبهشت / 1389

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خیلی خوشامدید برادران و خواهران عزیز! ان شاءالله مناسب روز معلم بر همه‌ی شما، بر همه‌ی معلمان در سراسر کشور، و بر ملت ایران مبارک باشد. اینکه روز معلم را با مناسبت یاد شهادت یک معلم بزرگ قرار داده‌اند، برای ما درس آموز است؛ این یک حرکت نمادین است؛ یعنی عظمت کار تعلیم و تربیت در آن حدی است که آمیخته‌ای از کار فکری و علمی و حضور در میدانهای اساسی زندگی - آنچنانی که در حیات شهید مطهری (رضوان الله تعالی علیه) مشهود بود - نقطه‌ی مطلوب این شغل شریف و این کار بزرگ است.

یک نکته‌ی اساسی این است که جامعه‌ی معلمین کشور عظمت کاری را که بر عهده گرفته‌اند و انجام میدهند، همواره در مد نظر داشته باشند. اگر انسان بداند که چه کار بزرگی را دارد انجام میدهد، انگیزه‌ی او، تحرک او، ایمان او و تلاش او در این کار، مضاعف خواهد شد. مثل یک رزمنده‌ی شجاعی که در یک نقطه‌ی حساسی از خطوط جبهه‌ی خودی مشغول کار و تلاش و مجاهدت است؛ نقش مجاهدت او آنچنان عظیم است که برای همه‌ی این جبهه میتواند اثر و فایده داشته باشد. اگر این رزمنده این را بداند، هرگز خسته نخواهد شد؛ احساس ملالت نخواهد کرد؛ هیچ عامل نومیدی در دل او اثر نخواهد گذاشت. این نکته باید در مقابل چشم معلمان ما همیشه حضور داشته باشد که نقش معلم برای یک جامعه، نقش حیاتی است؛ قابل مقایسه‌ی با بسیاری از نقشهای مهم و حساس در ترکیب اجتماعی نیست.

این ماده‌ی خامی که در اختیار معلم قرار میگیرد، یک لوح ساده است؛ به قول شاعر، «من که لوح ساده‌ام، هر نقش را آماده‌ام»؛ این دست نقشگر، این لوح را ترسیم و تصویر میکند و هویت جدیدی به او میبخشد. عوامل مختلفی است؛ عامل تربیت والدین، عامل حوادث اجتماعی و مؤثرات اجتماعی؛ در روزگار ما، وسائل تبلیغ، رسانه‌ها و امثال اینها همه نقش دارند؛ اما نقش معلم در این میان، یک نقش بارز و برجسته‌ای است. معلم میتواند این ماده‌ی خام را حتی از اسارت عوامل وراثتی هم نجات دهد؛ این را علم ثابت کرده است. همچنان که عوامل وراثتی بیماری‌های جسمانی و عوارض جسمانی میتواند با تدابیر گوناگون، با پیشگیری‌ها و فعالیتهای گوناگون خنثی شود، عوامل وراثتی اخلاقی و روحی و معنوی هم همین جور است. معلم میتواند این نوجوان را یا این کودک را به یک انسان عالم، فکور، دارای روح تحقیق، علاقه‌مند به تحقیق و پژوهش تربیت کند، یا یک انسان سطحی و بی‌علاقه‌ی به تعمق و بی‌علاقه‌ی به معلومات؛ میتواند او را یک انسان شریف، نجیب، خیرخواه، خوشدل و پاک‌نفس تربیت کند و به عرصه بیاورد، میتواند در نقطه‌ی مقابل، او را تبدیل کند به یک انسان شریر، بددل و بدخواه؛ میتواند او را یک انسان خوشبین، دارای اعتماد به نفس، امیدوار و علاقه‌مند به کار و فعالیت به بار بیاورد، میتواند در نقطه‌ی مقابل، او را یک انسان ناامید، مأیوس و منزوی به جامعه تحویل دهد؛ میتواند از او یک انسان متدین، پارسا و پاکدامن بسازد، یا نقطه‌ی مقابل، یک انسان لابلایی، بی‌اعتنای به ارزشهای اخلاقی، بی‌اعتنای به تعالیم دینی تربیت کند؛ میتواند حتی بر عوامل خارجی تربیت - مثل این رسانه‌ها و امثال اینها - غلبه کند؛ حتی با تعلیم مستمری که در طول سالهای متمادی با این ماده‌ی خام، با این نوجوان، با این دل آماده‌ی پذیرش ایفاء میکند، میتواند بر نقش تربیتی والدین غلبه کند؛ این نقش معلم است.

خوب، یک جامعه احتیاج دارد به انسانهای مؤمن، پرانگیزه، صبور، امیدوار، خوشبین، علاقه‌مند به منافع عمومی، علاقه‌مند به رسیدن به قله‌های کمال شخصی و جمعی، انسانهای بابتکار، متفکر، اهل تحقیق، اهل پیشروی. این را کی به وجود خواهد آورد؟ اینجاست که نقش معلم روشن میشود. دستگاه تعلیم و تربیت، یک چنین دستگاه حساس و مهمی است.

البته درباره‌ی مسائل تعلیم و تربیت و نقش معلمان، حرفهای زیادی زده شده است. ما امروز در شرائطی نیستیم که به حرف اکتفاء کنیم؛ امروز نیاز داریم به عمل. آموزش و پرورش، چه در بخش ستادی، چه در بخش صف - که

همین مجموعه‌ی معلمان و آموزگاران و دبیران در سراسر کشور هستند - میتوانند آینده‌ی این کشور را رقم بزنند. درست است که تغییر بنیادی آموزش و پرورش يك کار اساسی است که بارها این را به مسئولان محترم کشوری و آموزش و پرورش تذکر داده‌ایم؛ خوب، بحمدالله در بیانات وزیر محترم هم شنیدید که فعالیت خوبی در این زمینه انجام گرفته است، که باید يك تغییر بنیادی بر اساس نیاز، بر اساس اهداف والا، بر اساس امکانات عظیم کشور، امکانات انسانی، در آموزش و پرورش به وجود بیاید؛ این در جای خود صحیح است، بنده هم در همین زمینه تأکید میکنم؛ این کار را رها نکنید، متوقف نکنید؛ با شوق و همت مضاعف، با انگیزه‌ی تمام نشدنی، این کار را تا نهایت دنبال کنید، که کار دشواری هم هست؛ لیکن معلم از لحاظ انگیزه‌ی شخصی، از لحاظ احساس مسئولیت نمیتواند متوقف بماند تا اینکه آن وضعیت مطلوب در آموزش و پرورش به وجود بیاید. توصیه‌ی من به همه‌ی شما معلمان عزیز، به معلمان سراسر کشور این است که این نقش عظیم را در خود باور کنید؛ بدانید که دارید چه نقش عظیمی را برای آینده‌ی کشور ایفاء میکنید.

کشور ما در طول چند قرن دچار خسارتهای سنگین، دچار عقب‌افتادگی‌های بزرگ، دچار غفلتهای غیرقابل جبران بوده است؛ و این وضعی است که ما امروز مشاهده میکنیم. با پیدایش انقلاب اسلامی، با این حرکت نوین، این کشور باید آن راهی را برود که شایسته‌ی این ملت است، شایسته‌ی این میراث است، شایسته‌ی داعیه‌ی مسلمانی است؛ این احتیاج دارد به يك تحرك عظیم.

معلمین عزیز توجه بکنند که ما برای فردای این کشور چه جور انسانی نیاز داریم؟ زن و مرد ما برای ساختن مطلوب این کشور، باید چه خصوصياتی داشته باشند؟ این به دست شماست. این نوجوان یا کودکی که در مقابل شما در کلاس درس نشسته است، در اختیار شماست. شما با سخن خود، با منش خود، با رفتار خود، میتوانید به او اعتماد به نفس بدهید؛ میتوانید به او امید بدهید؛ میتوانید او را روانه‌ی میدانهای عمل کنید؛ میتوانید به او روح دیانت را آنچنان که شایسته‌ی اوست، تزریق کنید؛ میتوانید از او انسانی زيرك، پرتلاش، اجتماعی، علاقه‌مند به مصالح جمع و جامعه بسازید و به وجود بیاورید؛ میتوانید روح ابتکار را در او زنده کنید. معلم فرزانه‌ی ما میتواند در همان محدوده‌ی کلاس درس خود این کارها را انجام دهد؛ این وظیفه‌ی همگانی و عمومی معلمان است در سراسر کشور. البته معلم برای اینکه بتواند همه‌ی این کارها را انجام دهد، احساس میکند که نیاز دارد به راهنمایی روشن‌بینان جامعه، متفکران جامعه، متخصصان تعلیم و تربیت. این نیاز، خود به وجود آورنده‌ی محصول است. این نیاز وقتی از سوی معلمین احساس شد، بلافاصله به دستگاه مولده‌ی کشور منعکس میشود؛ آنچه را که مورد نیاز است، تولید میشود. ما تا احساس نیاز نکنیم، تا سؤال نکنیم، تا نخواهیم، آن محصول مورد نیاز تولید نخواهد شد. نقش آموزش و پرورش این است.

این جمله را هم درباره‌ی شهید بزرگوارمان مرحوم آيةالله مطهری (رضوان الله تعالی علیه) عرض کنیم: حقیقتاً رفتار و منش آن مرد بزرگ، نشان‌دهنده و نمایشگر يك معلم کامل و با احساس مسئولیت بود. در هیچ عرصه‌ای از عرصه‌هایی که حضور يك متفکر اسلامی مورد نیاز بود، ایشان از ورود در آن عرصه خودداری نکرد؛ ملاحظات و مصالح نتوانست جلوی او را بگیرد که وارد این عرصه نشود؛ چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌های فکری. در زمینه‌ی پاسخ به سؤالهای گوناگونی که در آن دوره ذهن جوانهای ما را به خود مشغول کرده بود، شهید مطهری مثل برخی از مدعیان روشنفکری دینی نبود که مطالب اجنبی از منطق دین و محتوای دین را با لعاب دینی و قالب دینی عرضه کند؛ بلکه درست نقطه‌ی مقابل، مفاهیم حقیقی دینی را در بسته‌بندی‌های متناسب روز و متناسب با سؤال و نیاز و استفهام مخاطبین عرضه میکرد. دنبال این نبود که يك دسته‌ی خاصی، يك گروه خاصی، يك مجموعه‌ی فکری خاصی او را تحسین کنند. با واپسگرایی و عقب‌ماندگی فکری و ارتجاع و تحجر و غلط‌اندیشیدن در زمینه‌ی دین - که ناشی از تحجر و واپسگرایی است - همان قدر و با همان شدت برخورد کرد که با بدعتها و افکار انحرافی و افکار التقاطی. این، خصوصیت آن مرد بزرگ بود. او خسته نشد؛ تلاش دائمی میکرد. دنبال نام و تیترو عنوان متعارف دانشگاهی و حوزه‌ای هم نماند. به عنوان يك رزمنده‌ی عرصه‌ی فکر و تأمل، وارد میدان شد. با اخلاص کار کرد، خدای متعال هم به کار او برکت داد. امروز بعد از سی سال از شهادت آن مرد بزرگ، حرفهای او تازه است، زنده است؛ گویا

برای امروز نوشته شده است. آن روز هم کسانی در سطوح مختلف فکری، از سخن او و فکر او استفاده میکردند، پاسخ خودشان را میگرفتند؛ امروز هم که افکار جلو رفته است، مسائل بسیاری برای ذهنهای جستجوگر حل شده است، باز به سؤالات جدید پاسخگو است. این، خاصیت یک فکر عمیق همراه با اخلاص است.

اخلاص، معجزه گر است. وقتی انسان برای خدا در یک راهی قدم میگذارد، خدا به کار او برکت میدهد؛ اینجور میشود که تلاش چند ده ساله‌ی آن مرد بزرگ، آن شهید عزیز، برای جامعه مثل یک ذخیره‌ی تمام نشدنی باقی میماند. این کار برعهده‌ی ماست؛ همه‌ی ما در همه‌ی عرصه‌های گوناگون.

امروز کشور ما و ملت ما بعد از گذراندن سه دهه از بزرگترین حادثه‌ای که بعد از ورود اسلام در کشور اتفاق افتاده است - یعنی قیام نظام اسلامی، که این بزرگترین حادثه است - و دنیای اسلام را متوجه کرد و نه فقط در منطقه، بلکه در معادلات سیاسی جهان تأثیر گذاشت و بحمدالله ملت در این سی سال پیشرفتهای زیادی هم در بخشهای مختلف کرده است، امروز جا دارد متفکران ملت به چشم انداز آینده نگاه کنند و ببینند چه میخواهند، چه میخواهند بکنند.

دنیای اسلام دنیای متشتت و متفرقی است. مسلمانها با داشتن قرآن، با داشتن محکم‌ترین تعالیم، به خاطر عوامل گوناگون، دچار عقب ماندگی هستند. این عوامل چیست؟ اینها را باید شناخت. همت ملت ایران باید این باشد که به نقطه‌ای برسد که همه‌ی رفتارهای او، حرکات او، محصولات فکری او، در دنیای اسلام به صورت یک مرجع مسلم و متقن، مورد مراجعه‌ی ملتها قرار بگیرد؛ متفکران ملتها، روشنفکران ملتها راه را پیدا کنند؛ این مسئولیت تاریخی ملت ایران است. و این راهی است که به طور طبیعی در مقابل ماست؛ باید این راه را بدرستی طی کنیم؛ با اطمینان به نفس حرکت کنیم؛ همه‌ی توان و ظرفیت انسانی و فکری و استعدادی را که خدای متعال در این ملت به ودیعه نهاده است، به میدان بیاوریم؛ آن وقت سرنوشت دنیای اسلام تغییر خواهد کرد و به تبع آن، سرنوشت دنیا تغییر خواهد کرد.

دنیا امروز در راه بدی حرکت میکند؛ در وضعیت بدی قرار دارد؛ اخلاقیات در دنیا پامال شده است. ملتها دارند چوب این انحطاط اخلاقی را میخورند، و متفکران ملتها متوجه به این ضایعه‌ی بزرگ هستند؛ رنج میبرند، اظهار میکنند؛ در کلمات آنها هست. میتوان در صراطی حرکت کرد که برای بشریت مایه‌ی نجات باشد. این سرنوشت هولناکی که در مقابل بشریت است، این سرنوشت را میشود تغییر داد؛ قدم اول این است که ما در خودمان آن حرکت بزرگ را، آن تحول عظیم را به وجود بیاوریم. از تعلیم و تربیت شروع میشود. زیرساختها در طول این سی سال بحمدالله در بخشهای مختلف به شکل خوبی فراهم شده است. میشود بر اساس این زیرساختها حرکت کرد. وظیفه سنگین است، راه طولانی است، کار دشوار است؛ اما انتهای راه، روشنایی و نورانیت داده شده‌ی از طرف پروردگار به چشم میخورد؛ انسان این را می‌بیند. انتهای راه، روشن است؛ افق روشن است؛ میتوان این راه را بخوبی طی کرد.

دشمنی‌ها وجود دارد. در هر موفقیتی که ملت ایران به دست بیاورد، عده‌ای در دنیا احساس ناکامی میکنند. قدرتمندان به طور طبیعی در مقابل این حرکتها که با منافع آنها سازگار نیست، صف آرائی میکنند؛ اینها چیز نامترقی نیست؛ اینها چیزهائی است که برای هر ملتی که در میدان مبارزه‌ی عظیم حیات وارد میشود، مورد ترقب است؛ انتظار آن میرود. ملت ما از اول انقلاب تا امروز این حرکت را در مواجهه‌ی با همین موانع ادامه داده است؛ اینها چیزی نیست. این تهدیدهای که میکنند، حرفهائی که میزنند، مخالفتهای که میکنند، تجربه‌ی ملت ایران نشان داده است که این مخالفتها هیچ تأثیری در کند کردن حرکت ملت ندارد و ملت راه را خواهد رفت. مهم این است که هر کسی نقش خود را بداند؛ هر کسی در هر جا که هست، بتواند آن وظیفه‌ای را که به عهده‌ی اوست، درست بشناسد و آن را انجام دهد؛ خداوند متعال هم ان شاءالله کمک خواهد کرد.

ما امیدوار هستیم که مسئولان محترم وزارت آموزش و پرورش با توجه به این حقائق مهم، با توجه به این مسئولیت سنگین، این کار بزرگ را با همت والا و با کار مضاعف و تلاش پیگیر ان شاءالله دنبال کنند و شما معلمان عزیز در هر نقطه‌ی از کشور که هستید، با امیدواری و با توکل به خدای متعال و چشمداشت رحمت و هدایت و پاداش الهی ان شاءالله این کار را پیش ببرید. امیدواریم خداوند همه‌ی شما را مأجور بدارد و روح مطهر شهدای عزیزمان را که این



امکان را برای ملت ما فراهم کردند تا بتواند به این مسائل اساسی پردازد، شاد بفرماید. ان شاء الله خداوند متعال روح مطهر امام بزرگوار را که گشاینده‌ی این راه به روی ماست، با ارواح طیبه‌ی اولیاء خودش محشور کند و همه‌ی شما را مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة الله ( ارواحنا فداه ) قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته